

چالشهای اجتماعی برخاسته از رشد شتابان اقتصادی

تجربه آسیای جنوب شرقی

پروفسور چاندرامظفر (خلاصه سخنرانی)

ترجمه ملیحه تجارثی

چکیده

پروفسور چاندار مظفر متفکر برجسته مالزیایی رشد شتابان اقتصاد در دو کشور آسیای جنوب شرقی، یعنی مالزی و اندونزی را طی سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ مورد بررسی قرار داده و چالشهای اجتماعی را که پیامد این رشد شتابان بوده به نقد کشیده است. وی در یک بررسی تطبیقی تفاوت‌های ماهوی آثار اجتماعی سیاستهای توسعه را در این دو کشور با اشاره به بحران اخیر اقتصادی در شرق آسیا مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

کلید واژه‌ها: ۱. رشد اقتصادی مالزی - اندونزی - آسیای جنوب شرقی ۲. عدالت اجتماعی، بحران مالی

صحبت از رشد اقتصادی یا چالشهای اجتماعی به‌عنوان یک پدیده همگن نمی‌تواند درست باشد. به همین دلیل مابرسی خود را فقط به دو کشور اندونزی و مالزی به‌عنوان دو نمونه برجسته که از اواخر دهه ۱۹۸۰ شاهد رشد شتابان بوده و امروز با چالشهای عظیمی روبه‌رو هستند محدود می‌کنیم.

رشد شگفت انگیز اندونزی طی دو دهه از اوایل دهه ۱۹۷۰ تا اوایل دهه ۱۹۹۰ به کاهش فقر مطلق و افزایش نرخ باسوادی و بهبود وضعیت

شروع مطلب با عبارت «تحولات شتابان اقتصادی» ممکن است بازتاب دقیقی از واقعیت نباشد. آنچه طی ده سال گذشته در بخشی از منطقه آسیای جنوب شرقی اتفاق افتاده، رشد فوق‌العاده سریع اقتصادی بوده است. رشد، ممکن است به تغییر ساختارها و روابط اقتصادی منجر بشود یا نشود. همچنین حتی همین رشد شتابان نیز در همه این کشورها فراگیر نبوده، و آهنگ رشد بعضی کشورها کندتر از بقیه بوده است. وانگهی، در منطقه‌ای چون آسیای جنوب شرقی با آن همه تنوع و گوناگونی

همه کمبودهای آن، از طریق انتخابات منظم، ایجاد زمینه برای فعالیت سیاست‌های مخالف، وجود یک پارلمان فعال و نسبتاً مسئول در مقابل مردم، تاحدودی این اطمینان را ایجاد کرد که سرپیچی نخبگان، از قانون سیستم را به نابودی نکشانند.

این تجربه نشان می‌دهد که تعهد به توزیع عادلانه ثروت و وفاداری به حکومت دمکراتیک برای ملتی که می‌خواهد از طریق رشد اقتصادی به سطح محسوسی از عدالت اجتماعی دست یابد، حیاتی است. چون مالزی در مقام مقایسه با اندونزی از درجات بیشتری از عدالت اجتماعی به خاطر رعایت مساوات و پاسخگو بودن دولت در مقابل مردم برخوردار بوده‌است، در مقابل بحران مالی اخیر بهتر توانسته‌است پایداری کند.

با وجود این، هم مالزی و هم اندونزی و در واقع سایر کشورهای منطقه این بحران را باید به‌عنوان فرصتی مناسب برای بررسی عمیق‌تر بعضی نظریه‌های ناب امروزی در مورد رشد و توسعه در نظر بگیرند. آیا یک نگرش تک بُعدی یکی از دلایل اصلی از بین رفتن محیط زیست که شاهد آن در این کشورها هستیم، نبوده‌است؟ آیا این نگرش همچنین به زوال خانواده و جامعه و از بین رفتن ارزشهای اخلاقی در روابط درون جامعه منجر نشده‌است؟ آیا نباید یک نگرش همه جانبه در مورد توسعه اتخاذ کنیم که تأثیر رشد را بر خانواده، جامعه، و محیط‌زیست در نظر بگیرد؟

بحران مالی، یک جنبهٔ زشت دیگر رشد را نیز آشکار کرده‌است. این امر تا حدودی ناشی از تأکید بر رشد همراه با پذیرش مقادیر زیادی

بهداشتی مردم نیز منجر شد. اما همین رشد به توسعه نابرابر درآمدها، نابرابریهای عظیم اقتصادی، و تمرکز ثروت در دست عدهٔ قلیلی انجامید. علت این امر تا حدودی به این خاطر است که توزیع منصفانهٔ ثروت هرگز در کانون توجه سیاست‌گذاران ملی قرار نداشته است.

در مالزی نیز رشد اقتصادی نقش مهمی در کاهش فقر مطلق داشت و به افزایش نرخ باسواد و بهبود کیفیت مراقبتهای بهداشتی، بویژه در مناطق روستایی منجر شد. اما برخلاف اندونزی، رشد همیشه با مساوات همراه بود. انگیزهٔ حرکت به سوی تساوی حقوق، به‌طور قابل ملاحظه‌ای برای از بین بردن عدم تساوی اقتصادی بین جوامع بومی^۱ و غیر بومی^۲ بود. با کاهش نابرابری بین دو جامعه، دولت همچنین به کاهش تمایزات بین شهر و روستا کمک کرد و به طریق غیرمستقیم برخی از شکافهای حساس و مطلق بین طبقات اجتماعی را نیز کاهش داد.

رشد اقتصادی در اندونزی و مالزی از جنبهٔ دیگر نیز با هم متفاوت بود. در اندونزی، رشد اقتصادی عمدتاً در یک فضای سیاسی اقتدارگرا به‌وقوع پیوست. نیروی مطلقهٔ نظامی که ابزار اصلی قدرت دولت است بقای قدرت سیاسی را در دست نخبگان حاکم ضمانت می‌کند. این تمرکز قدرت سیاسی در دست نخبگانی که در مقابل مردم پاسخگو نیستند، تا حدودی موجب افزایش فساد و رفیق‌بازی در ساختار سیاسی دولت است.

یکی از دلایل این‌که مالزی از لحاظ کنترل فساد و رفیق‌بازی در وضع بهتری قرار دارد، فضای دمکراتیکی است که طی چهار سال گذشته رشد و ترقی در آن ایجاد شده است. دمکراسی مالزی، با

1. Bumiputra

2. non Bumiputra

باید برنامه اصلی اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در آسیای جنوب شرقی در طی دهه‌های آینده باشد. اما، یک برنامه اصلاحات اجتماعی که واقعاً مبتنی بر فلسفه ارزشهای معنوی و اخلاقی موجود در مذاهب در آسیای جنوب شرقی باشد حتی از این هم فراتر خواهد رفت. چنین برنامه‌ای مستلزم طرح سئوالهای بنیادی درباره مفهوم خود توسعه و سمت و سوی آن خواهد بود. وقتی توسعه با تولید ناخالص محلی همراه و همگام باشد، آیا مذاهب ما آنرا توسعه واقعی قلمداد نخواهند کرد؟ از دیدگاه مذهبی، آیا اساس توسعه به معنی رشد روحی و اخلاقی نوع بشریت نیست؟ در حالی که وجود مادی او صرفاً پیش شرطی است برای این که به تدریج به فراتر از مرحله خودپرستی صعود کند. به این دلیل است که در اسلام، مذهب اکثریت مردم در اندونزی و مالزی، رشد به معنی تزکیه است. یک فرایند پالایش درونی است، که توسط محیط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی تسهیل یا تقویت می‌شود.

اگر بازار بورس و سهام، افزایش قیمت کالاها و جمع‌آوری سود عامل پیش برنده توسعه باشد، اگر رشد حاصل اعمال خلاف اخلاق، تجارت مواد مخدر و اسلحه باشد، نه اسلام و نه هیچ آیین دیگری آن را توسعه قلمداد نمی‌کند. در واقع از دیدگاه اسلامی، اغلب آنچه رشد اقتصادی نامیده می‌شود حرام است، زیرا به نحوی با بهره، ربا و شیادی اقتصادی همراه است. می‌توان گامی فراتر گذاشت و ادعا کرد که آنچه امروز در بازار دنیای سرمایه‌داری می‌گذرد، جملگی نقض آشکار اصول اسلامی است. چون بازار که ویژگی اصلی جوامع اسلامی در دوران کلاسیک بود براساس درک

سرمایه خارجی کوتاه‌مدت در کشورهای آسیای جنوب شرقی است. این سرمایه کوتاه‌مدت عاملی در جهت افزایش شدید قیمت بورس و سهام و افزایش بی‌دلیل قیمت داراییها در بخشهایی از جنوب شرقی آسیا در اوایل دهه ۹۰ بوده است. آنجا که سرمایه کوتاه مدت از این نوع به بی‌ثباتی گرایش دارد، انتقال انبوه آن از منطقه طی ۸ ماه گذشته یکی از دلایل عمده بحران مالی اخیر است. این امر ثابت می‌کند که وقتی رشد با هدف سود نامحدود مالی مورد حمایت قرارگیرد، جامعه دیر یا زود مجبور است بهای سنگینی در مقابل آن بپردازد.

به جای اتکای بیش از حد به سرمایه کوتاه مدت برای رونق دادن به رشد، اندونزی و مالزی و سایر کشورهای بحران‌زده، باید در جهت تحرک بخشیدن به سرمایه‌های ملی برای تأمین مالی توسعه، تلاش می‌کردند. تقویت بنیان سرمایه ملی یکی از بهترین راههای حمایت از کشور در مقابل آسیبهای سرمایه کوتاه‌مدت است. بدیهی است که این رویکرد در کوتاه‌مدت با یک آهنگ رشد آهسته‌تر و متعادلتر همراه خواهد بود، اما در درازمدت یک شالوده محکم و مطمئن برای توسعه اقتصادی و اجتماعی ایجاد خواهد کرد. به عبارت دیگر، دلیل خوبی برای تأکید بیشتر بر اصول اخلاقی خود اتکایی یا اتکاء به نفس در فرایند توسعه وجود دارد. توسعه متکی به خود اتکایی باید مضمون اصلی تحولات اجتماعی در آسیای جنوب شرقی باشد.

در واقع توسعه همه جانبه و متکی به خود، که بر توزیع عادلانه ثروت در چارچوب حاکمیت دمکراتیک و پاسخگویی در مقابل مردم تأکید دارد

کوچک از جهان که آسیای جنوب شرقی نامیده می‌شود، شروع شود. این نظم جهانی برای آن عده از ما که مجبوریم با واقعیت‌های خشن عصر حاضر دست و پنجه نرم کنیم کاملاً آرمانی به نظر می‌رسد. اما ما به عنوان کسانی که در دنیای امروز زندگی می‌کنیم، به ویژه افراد جوان، باید آنقدر نترس و شجاع باشیم که یک دنیای توأم با عدالت واقعی را برای آینده تصور کنیم. فردای زندگی ما بر مبنای یک چنین رؤیاهایی شکل می‌گیرد.

پس بگذارید تخیلات ما از واقعیت پیشی بگیرد. تمامی تحولات عظیم از همین جا آغاز می‌شوند.

چاندرامظفر

۲۲ فوریه ۱۹۹۸

منبع:

اجلاس آکادمی سوئیس برای توسعه

روشنی از فعالیت‌های حلال و حرام ایجاد شده بود. این نوع بازار با نیروی قدرتمند اخلاق اداره می‌شد و هدف عمده آن تأمین عدالت برای اکثریت مردم بود.

بنابراین، با توجه به این تحلیل، کاملاً واضح است که یک تحول اصیل اقتصادی و اجتماعی در جنوب شرقی آسیا، با الهام از ارزش‌های معنوی و اخلاقی موجود در فلسفه مذهبی آن با الگوی مسلط و قدرت غالب نظام اقتصادی موجود در تضاد خواهد بود. البته وجود پاره‌ای نابرابریها و بی‌عدالتیهای وحشتناک در ساختار فعلی نظام اقتصاد ملی، منطقه‌ای و جهانی اجتناب‌ناپذیر است. اگر این نابرابریها و بی‌عدالتیها ادامه یابد، فجایع غیرقابل تصویری بقا و حیات نوع بشر را تهدید خواهد کرد. به همین دلیل که علی‌رغم تمامی مشکلات موجود، ناگزیریم برای ایجاد نظم جهانی جدیدی که با عدالت، انسانیت و شفقت همراه باشد مبارزه کنیم. نظمی که امیدواریم از این گوشه